

اهمیت نقش مشارکت در جلوگیری از بحران کم آبی داریوش داستان^۱، یعقوب یزدانی مقدم^۲، عباسعلی ولی^۳

دانشجوی کارشناسی ارشد بیابانزدایی، دانشگاه کاشان

دانشجوی کارشناسی ارشد آبخیزداری، دانشگاه کاشان

استادیار گروه بیابانزدایی، دانشگاه کاشان

چکیده:

آب یکی از مهم ترین چالش های قرن حاضر بشریت محسوب می شود که می تواند سر منشا بسیاری از تحولات مثبت یا منفی در سطح ملی و بین المللی گردد. کشور ایران بدلیل کمبود نزولات جوی و نامناسب بودن پراکنش زمانی و مکانی بارش جزو کشور های خشک و نیمه خشک جهان محسوب می شود و بحران کم آبی نیز روز به روز تشدید می شود در دهه های اخیر در کشورهای در حال توسعه به توسعه منابع آبی توجه زیادی مبذول گردیده ولی مشارکت بهره برداران و مصرف کنندگان در امر مدیریت منابع آب کمتر مدنظر قرار گرفته است و سهم و نقش مردم اغلب ناچیز محسوب شده و چشم پوشی می شود متأسفانه در کشور ما هنوز استفاده مطلوب از آب به شکل یک فرهنگ جایگاه خاص خود را پیدا نکرده است، به همین جهت دستیابی به تعادل نسبی در زمینه عرضه و مصرف آب یک اصل اساسی و ضروری است که این مهم جز با ایجاد یک نظام جامع مدیریت آب و مشارکت مردمی میسر نیست. گسترش و تحکیم زمینه مشارکت آگاهانه مردم بویژه در بهره برداری و مصرف آب، یگانه تضمین بلندمدت برای سودمندی فعالیتهای برنامه ریزی شده در این رابطه به نظر می رسد. در واقع بدون مشارکت آگاهانه مردم در جهت بهره برداری صحیح از سرمایه گذاری های کلان و در عین حال ضروری از جمله اجرای طرح های تامین آب و احداث شبکه های آبیاری و زهکشی، طبعاً نمی توان انتظار داشت تدابیر کارشناسانه به همراه تکنولوژی های نوین نسبت به مسائل موجود و انواع نیازهای آبی در هر زمان و مکان و با هر کمیت و کیفیتی پاسخگو باشد. در روشهای مشارکتی، مشارکت در اولین دیدگاه به منزله نهادهای برای توسعه است که موجب افزایش کارایی برنامه های توسعه ای می گردد بطوریکه درگیری مردم در فعالیت ها، موجب شتاب دادن به روند توسعه و مطلوبیت بیشتر آن می شود. بنابراین می بایست هماهنگی و همزمانی لازم بین فرآیندهای تامین و استحصال آب با تقاضا و مصرف بهینه همراه با سایر فرآیندهای مورد نیاز تولید همراه با مشارکت موثر مردم ایجاد گردد تا مشکلات مربوط به بحران کم آبی به حداقل ممکن خود برسد.

کلمات کلیدی: بحران آب، مشارکت، تامین آب، فرهنگ سازی، استحصال آب

مقدمه :

توجه به رشد جمعیت در ایران، سرانه منابع آب تجدید شونده سالانه که در سال ۱۳۳۵ برابر با ۷۰۰۰ مترمکعب بوده و در سال ۱۳۷۵ به ۲۰۰۰ مترمکعب کاهش یافته و پیش بینی می شود که تا سال ۱۴۰۰ به حدود ۸۰۰ مترمکعب کاهش یابد که پایین تر از مرز کم آبی یعنی ۱۰۰۰ مترمکعب است. (۱۲)

در سراسر تاریخ بشر دسترسی مطمئن به آب، یک شرط اولیه و اساسی برای توسعه اجتماعی، اقتصادی و پایداری فرهنگ و تمدن بوده است. به گفته آب شناسان، آب دیگر یک کالای فراوان و فاقد ارزش اقتصادی نیست، بلکه یک کالای بدون جایگزین و با ارزش اقتصادی زیاد در همه زمینه های مصرف می باشد (صادقی ۱۳۸۵). موضوع منابع آب به عنوان یک موضوع با اهمیت در صحنه سیاست داخلی کشورها به ویژه در مناطق خشک و کم آب جهان از دیرباز همواره مطرح بوده و هم اکنون نیز اهمیت خود را حفظ کرده است (زیبا کلام، ۱۳۸۷). در جهان امروز عواملی همچون افزایش چشمگیر جمعیت کره زمین

محدودیت منابع آب شیرین و در دسترس بودن فیزیکی آب و بحران سیاسی در بسیاری از کشورها به صورت یک معضل جدی در آمده است. به طوری که این محدودیت توانسته است، رشد این کشورها را تحت شعاع قرار دهد. براساس گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۰۷، کاهش سالانه منابع آب شیرین بین سالهای ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۲ در جهان ۳ هزار و ۸۰۷ میلیارد و ۴۰۰ میلیون متر مکعب بوده که از این میزان ۷۰ درصد مربوط به کشاورزی، ۲۰ درصد مربوط به صنعت و ۱۰ درصد مربوط به مصارف داخلی بوده است (۱۲). ایران با متوسط نزولات جوی ۲۶۰ میلی متر در سال از کشورهای خشک جهان و دارای منابع آب محدود است. عواملی همچون رشد جمعیت، نیاز به غذای بیشتر، ضرورت ارتقای سطح بهداشت و رفاه اجتماعی، توسعه صنعتی و حفاظت اکوسیستمها، تقاضای آب را روز به روز بیشتر می کند. با

و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع محیط زیست برای تأمین نیازهای اقتصادی، تأثیر خاص خود را در رابطه با منابع آب برجای گذارده است. بطوریکه مسائل مربوط به بحران و مدیریت آب از دیدگاه سازمان ملل متحد پس از مشکل جمعیت به عنوان دومین مسئله اصلی جهان شناخته شده است. باید توجه داشت که امکان افزایش منابع آب شیرین جهان و حل این بحران وجود ندارد، تنها کاری که می‌توان کرد، بهبود روشهای استفاده از آن است (بیران و هنربخش، ۱۳۸۶). گسترش و تحکیم زمینه مشارکت آگاهانه مردم بویژه در بهره‌برداری و مصرف آب، یگانه تضمین بلندمدت برای سودمندی فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده در این رابطه به نظر می‌رسد. در واقع بدون مشارکت آگاهانه مردم در جهت بهره‌برداری صحیح از سرمایه‌گذاری‌های کلان و در عین حال ضروری از جمله اجرای طرح‌های تأمین آب و احداث شبکه‌های آبیاری و زهکشی، طبعاً نمی‌توان انتظار داشت تدابیر کارشناسانه به همراه تکنولوژی‌های نوین نسبت به مسائل موجود و انواع نیازهای آبی در هر زمان و مکان و با هر کمیت و کیفیتی پاسخگو باشد.

بحث‌ها و نتایج

مشارکت فرایندی است که به افراد ذی نفع در کلیه مراحل برنامه فرصت اظهار نظر داده و نظرات آنها را در مراحل برنامه‌ریزی و اجرای برنامه دخالت می‌دهد. در این فرایند هزینه‌ها و منافع حاصل از اجرای برنامه بین تمام افراد تقسیم می‌شود و امکان افزایش کارایی برنامه‌های توسعه‌ای را فراهم می‌آورد. در کل جوهر مشارکت، منافع مشترک گروه در جامعه و منافع مشترک فرد در گروه محسوب می‌شود. مشارکت مردم را توانا ساخته و به آنها قدرت می‌بخشد تا بصورت فعال روی توسعه شرایط و موقعیت خویش کنترل داشته باشند. کمبود آب در ایران یکی از عوامل محدود کننده اصلی توسعه فعالیت‌های اقتصادی در دهه‌های آینده به شمار می‌رود. متأسفانه در کشور ما هنوز استفاده مطلوب از آب به شکل یک فرهنگ جایگاه خاص خود را پیدا نکرده است، به همین جهت دستیابی به تعادل نسبی در زمینه عرضه و مصرف آب یک اصل اساسی و ضروری است که این مهم جز با ایجاد یک نظام جامع مدیریت آب و مشارکت مردمی میسر نیست.

مجموعه اقداماتی که تاکنون در کشور در ارتباط با تأمین آب کشاورزی، شهری و صنعتی انجام شده، عمدتاً در زمینه مدیریت تولید و عرضه آب بوده است و کمتر توجهی به مدیریت مصرف گردیده است.

مشارکت مردمی وجه اساسی و در عین حاکم گمشده توسعه پایدار در بخش آب (در بخش‌های مختلف کشاورزی، صنعت و شهری) است. فرآیند مشارکت می‌باید به گونه‌ای خودجوش و دو جانبه جنبه عملی به خود گیرد چه در غیر این صورت از توان و انرژی عظیم مردمی در رابطه با توسعه و شیوه مصرف، نگهداری از تاسیسات و حفاظت سرمایه‌های ایجاد شده محروم خواهیم ماند. البته پیدا کردن راهکار مشارکت جویی در عمل مشکل بوده و لازمه آن باور عمیق به توانایی مردم و صراحت و برخورد با آنان است.

همچنانکه این مهم در راهبردهای توسعه بلندمدت منابع آب کشور چنین آمده است:

ساختار مدیریت آب در کشور در جهت تمرکز زدایی در اجرا و بهره‌برداری با افزایش نقش مشارکت مردم و سازمان‌های محلی و جامع‌نگری در چرخه آب، برنامه‌ریزی سازگار با شرایط اقلیمی غالب در هر حوضه آبریز با تأکید بر ارتقاء مستمر آگاهی مردم و جلب مشارکت عملی آنها یکی از ارکان مهم سیاست‌ها و استراتژی‌های نگرش سازگاری با اقلیم در حوضه‌های آبریز در راستای کاهش بحران آب است. این مشارکت مبانی مشروحه ذیل قرار دارد. (۷،۳،۱۰)

الف) مشارکت بهره‌برداران در کلیه مراحل

تحقیقات، مطالعات، اجرا و تصمیم‌سازی پروژه‌ها:

میزان مشارکت مردم در اجرای تمام برنامه‌های مدیریتی از جمله پروژه‌های مربوط به مدیریت آب (پروژه‌های انتقال استحصال و بهره‌برداری از منابع آبی) عامل اصلی و تعیین کننده در موفقیت یا عدم موفقیت اجرای یک پروژه خواهد بود. چه بسا در اکثر موارد روزه‌ها مدیریت صحیح وجود دارد و اعتبار مالی کافی نیز هست اما اجرای برنامه‌ها با چالش روبرو است. لذا مشارکت فعالانه‌ی همه‌ی افراد ذی نفع در اجرای طرح و افزایش دانش و اطلاعات آمار در اجرای برنامه‌ها بسیار مهم و ضروری است.

ب) کاهش دخالت دولت در امور بهره‌برداری،
نگهداری و حفاظت منابع و تاسیسات آب و آبیاری:

طالعات و تحقیقات انجام شده در زمینه کارایی شبکه-
های آبیاری و زهکشی حاکی از آن هستند که در این
شبکه‌ها علیرغم تلاشهایی که برای افزایش کارایی شبکه
صورت پذیرفته (نظیر عملیات تجهیز و نوسازی اراضی و
استفاده از روشهای نوین آبیاری) هنوز به پتانسیل‌های
خود نرسیده اند و به اصطلاح کمبود کارایی در شبکه‌های
آبیاری وجود دارد. مطالعات و تحقیقات مزبور به این
نتیجه رسیده‌اند که این امر ناشی از عدم توازن بین
دستگاههای دولتی اداره کننده و گروه‌های مصرف کننده
آب در تمامی سطوح توسعه آبیاری از نظر مشارکت آنها
در مراحل مختلف توسعه شبکه آبیاری شامل طراحی،
بهره‌برداری و نگهداری و برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری است.
در بین مصارف مختلف آب در ایران، بخش کشاورزی
با سهمی بالغ بر ۹۴ درصد، بیشترین مصرف آب را دارا
می‌باشد. در این خصوص، تلفات آب در کشت آبی به دلیل
شیوه انتقال و توزیع آب و شیوه آبیاری، حجم زیادی را
(به طور متوسط ۷۰ درصد) به خود اختصاص می‌دهد.
اساسی‌ترین علل شرایط نامناسب مصرف آب کشاورزی در
وضع موجود را می‌توان به نواقص و نارسایی‌های مربوط به
نظام مدیریتی و اجتماعی به دلیل عدم تناسب ساختار
مدیریتی، اجرایی، بهره‌برداری و ضعف انگیزه‌های
کارگزاران دولتی و بهره‌برداران مرتبط دانست. بخش عمده
این نارسایی‌ها به دلیل گسترش بی‌رویه حیطه تصدیه‌های
دولتی در اداره امور است که چاره و درمان اساسی آن
تمرکززدایی و واگذاری تدریجی امور به تشکلهای مردمی
می‌باشد. از این رو اتخاذ راهکارهای بهینه جهت مدیریت
تقاضای آب و مصرف آب در ایران (بخصوص در بخش
کشاورزی که بیشترین درصد از مصرف آب را به خود
اختصاص داده است) از مهمترین و بنیادی‌ترین اقدامات
پیش‌رو محسوب می‌گردد (۸). بطور خلاصه می‌توان بیان
داشت که اجرای پروژه‌های مختلف در تعامل هم‌زمان
دولت و مردم با مدیریت خود مردم تحت حمایت دولت
دارای اثرپذیری بیشتری در طرح‌ها از جنبه‌های مختلف
از جمله کاهش هزینه‌ها، صرفه جویی در وقت و طولانی
بودن بودن مدت زمان تاثیر این طرح‌ها می‌باشد.

مزایای مشارکت بهره‌برداران در مدیریت بهره-
برداری و نگهداری از تاسیسات آب و آبیاری(۹):

- ۱- تعامل و همکاری آب بران در همه مراحل و سطوح مدیریت اعم از برنامه ریزی، طراحی، ساخت، بهره برداری و نگهداری
- ۲- ایجاد مسئولیت در بهره‌برداران به منظور حفظ سرمایه گذاری‌های انجام شده
- ۳- افزایش کارایی آب کشاورزی، با مصرف بهینه آب کشاورزی و رعایت مزیت‌های نسبی در کشت
- ۴- اصلاح الگوی کشت با توجه به میزان آب و برنامه عادلانه آبیاری
- ۵- ایجاد فرهنگ مشارکت در کلیه امور
- ۶- کم شدن تصدیه‌گری دولت و ایجاد ارتباط دوجانبه و داشتن اختیار و وکالت از طرف دولت
- ۷- ایجاد اعتماد به نفس در انجام مدیریت و تجربه سازمانی
- ۸- صرف جویی در هزینه‌ها

ج) مشارکت بهره‌برداران در فرآیند توزیع و مصرف
آب از طریق ایجاد و حمایت از تشکلهای بهره-
برداری و آب بران کشاورزی:

از آنجا که بزرگترین متقاضی آب در کل جهان و
بالاخص در کشور بخش کشاورزی است، هر چه رقابت،
برخورد، کمبود، ضایعات، مصرف بی‌رویه و کاهش کیفیت
آب بیشتر شود، سیاست‌گذاران آب را بیشتر متوجه بخش
کشاورزی می‌نماید. این در حالی است که تقریباً در سراسر
جهان دولتها خود را مسئول امنیت غذایی مردم می‌دانند و
از آنجا که تولید غذا بطور فزاینده‌ای به عرضه آب وابسته
است، امنیت غذایی رابطه تنگاتنگی با امنیت آبی پیدا می-
کند. اعمال شده است. آب تحت مدیریت فیزیکی قرار (عرضه آب)
در گذشته مدیریت منابع آب تحت نفوذ
سیاستهای داشته و با استفاده از ابزارها و روشهای فنی و
مهندسی، آب تامین، ذخیره سازی و توزیع گردیده است.
ولی این دوران که مشخصه اصلی آن تامین عرضه آب
تحت تاثیر تقاضای فزاینده بود پایان یافته است و در
دوران اقتصادی جدید، طراحی روشهایی که بر تقاضا و
رفتارهای(مدیریت منابع آب از دو هدف تلاش برای تامین

هر چه بیشتر آب به سوی تغییر یافته است (متقاضی تاکید می کند را با لزوم رویکرد مدیریت تقاضا در زمینه) مکانیزم تولید بیشتر و پایدار با آب کمتر (بدین ترتیب باید طراحی تخصیص مجدد آب موجود، تشویق استفاده کارآمدتر از آن و فراهم ساختن امکانات دسترسی متعادل به آب در دستور کار جدید قرار داد. در این میان افزایش تقاضای آب خود در ابعاد بین بخشی، توزیعی و زیست محیطی دارای تاثیرات زیادی است. از این رو در سیاست - ذاری مدیریت منابع آب باید ساختاری شامل انگیزه، مقررات، مجوز و محدودیت را چنان طراحی نمود که بتواند با مشارکت اصولی مردم بهره برداران را در استفاده صحیح از آب راهنمایی و هماهنگ نماید و مباحث در مصرف بهینه آب را دامن بزند.

با توجه به مشکلات و چالش های پیش رو، سازماندهی آب بران و ایجاد تشکلهای مناسب و قانونی برای رفع و یا کاهش این مسائل ضروری و اجتناب ناپذیر است. علاوه بر این برخی از مهمترین ضرورت ها و دلایل ایجاد تشکل آب بران عبارتند از:

- ۱) سپردن کار مردم به مردم در خصوص حفاظت و بهره برداری از منابع آب زیرزمینی به خصوص در ارتباط با مصارف کشاورزی
- ۲) تقسیم و توزیع آب کشاورزی بر اساس عدالت و استفاده بهینه از آن با توجه به بیلان سالانه آب
- ۳) اعمال مدیریت مشارکتی در امور توسعه امور زیرساختی و تولیدی محصولات کشاورزی
- ۴) استفاده بهینه از آب و افزایش راندمان آبیاری و مکانیزه نمودن مراحل کشاورزی
- ۵) حفظ محیط زیست از نظر کمی و کیفی منابع آب در راستای توسعه پایدار
- ۶) کاهش بوروکراسی اداری و مراجعات مکرر به دستگاههای دولتی
- ۷) ایجاد صنایع وابسته به منظور فرآوری محصولات کشاورزی و رشد دیگر صنایع کشور
- ۸) اطلاع رسانی و آموزش کشاورزان
- ۹) تهیه آمار و اطلاعات به روز شده از منابع و مصارف آب در محدوده هر تشکل

د) ارتقاء آگاهی ها در زمینه مصرف آب با همکاری سازمانهای مردم نهاد:

آب به عنوان یک کالای اساسی نقش غیره قابل انکاری در زندگی تمام موجودات بویژه انسان دارد که لازم است با فرهنگ سازی، آگه سازی و اصلاح الگوهای نامناسب مصرف و بهره برداری آب روش های استفاده صحیح از این منبع حیاتی نهادینه شود متأسفانه یکی از معضلات اساسی در کشور ما مصرف گرایی مفرط است که به شکل یک فرهنگ درآمده ولی ما برای اینکه بتوانیم مصرف بهینه در حوزه های مختلف آب، گاز و برق داشته باشیم باید با فرهنگ سازی بیشتر از سوی رسانه ها باورهای غلط مردم و شهروندان روستایی و شهری را اصلاح کنیم.

شهر کاشان یکی از شهرهایی است که با کمبود آب مواجه بوده و قرار است. به منظور اطلاع از میزان آگاهی ها و سنجش نگرش مردم کاشان نسبت به صرفه جویی آب، ارتقای سطح آگاهی آنها از اهمیت و وضعیت آب شهر، آموزش راه های صرفه جویی، تغییر نگرش آنها به سمت صرفه جویی و ب الا بردن قابلیت پذیرش آنها برای اجرای اقدامات مدیریت تقاضا تحقیقی پیمایشی در این شهر انجام شد. نتایج این تحقیق نشان داد که میزان آگاهی مردم نسبت به ضرورت صرفه جویی در مصرف آب و کارایی روش های مختلف صرفه جویی بر نگرش آنها به آب و نیز بر رفتار آنها در جهت صرفه جویی آب تأثیر معنی داری دارد. با تحلیل روند تغییرات مصرف سالانه آب برخی از خانوارها (کاهش و یا افزایش ناگهانی) معلوم شد که عامل اصلی این تغییرات، اصلاح سیستم لوله کشی منزل و یا برعکس پیدایش نشت در لوله کشی بوده است. کمبود اطلاع از میزان مصرف و الگوی بهینه مصرف آب، کمبود اطلاعات کافی در مورد عوامل افزایش تقاضا، پایین بودن قیمت آب، تصور مردم از آب به عنوان یک کالای اجتماعی و ارزان قیمت، راحت تر بودن اجرای برنامه های عرضه آب، کمبود درک مفاهیم، قلمرو و پتانسیل های مدیریت تقاضا، پایین بودن قابلیت پذیرش جامعه برای اجرای فعالیت های مدیریت تقاضا، کمبود همکاری و هماهنگی بین نهادها و سازمانهای آبی، مقاومت سازمانهای آبی برای تغییر در سیستم سنتی خود، و اشتغال زایی بیشتر اقدامات عرضه آب از جمله موانع اجرای فعالیت های مدیریت تقاضا می باشند. بسیاری از این موانع به آسانی به واسطه برنامه های آموزش و آگاهی عمومی و ابزار قانونی برداشته می شوند.

باعث نادیده انگاشتن مردم محلی وعدم مشارکت آنها در تفسیر واقعیات می‌شود، از ضروری‌ترین اقداماتی است که می‌بایست توسط کارشناسان، پژوهشگران و سیاست‌گزاران امر توسعه در سازمانهای مربوطه انجام گیرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

آب از اصلی‌ترین مولفه‌های محیط زیست، جزء لاینفک و ضروری توسعه پایدار و یکی از منابع مهم پایه برای توسعه کشاورزی می‌باشد. در ایران سرانه آب تجدید شونده با افزایش جمعیت کاهش یافته و از نظر معیارهای جهانی به مرز بحران نزدیک می‌شود. پذیرش و سود آوری اقتصادی، پایداری زیست محیطی در دستیابی به این مهم جهت جلوگیری توسعه با از طریق مشارکت بهره برداران مورد توجه ویژه قرار گرفته است. نگاه ویژه به مدیریت تقاضا و مشارکت بهره برداران از طریق نظامهای بهره برداری از منابع آب و ایجاد تشکلهای آب بران ما را در جهت مصرف بهینه، ارتقاء کارایی و بهره‌وری آب سوق خواهد داد. بنابراین می‌بایست هماهنگی و همزمانی لازم بین فرآیندهای تامین و استحصال آب با تقاضا و مصرف بهینه همراه با سایر فرآیندهای مورد نیاز تولید همراه با مشارکت موثر مردم ایجاد گردد و نقش مشارکت در برنامه‌ها و اعتبارات یک ضرورت بشمار می‌آید. از جمله پیشنهاداتی که در زمینه اهمیت نقش مشارکت قابل بیان است عبارتند از:

ایجاد هماهنگی بین بخش دولتی جهت مشارکت دستگاههای دولتی مرتبط با بخش‌های متنوع آبی
تدوین و اصلاح قانون جامع آب کشور با مشارکت کلیه ذیربطان و ذینفعان مبتنی بر مدیریت تقاضای آب متناسب با زمان و مکان
بهره‌گیری از تجربیات و فن‌آوریهای نوین جهانی در مشارکت اصولی بهره‌برداران
واگذاری بهره‌برداران و نگهداری از تاسیسات آب و آبیاری به بهره‌برداران آب
تشویق و ترغیب بهره‌برداران و مصرف‌کنندگان بخصوص در بخش روستایی برای تشکیل تشکلهای، تعاونی‌ها و یا گروه‌های بومی و محلی بصورت داوطلبانه جهت تعاون و مشارکت بیشتر

ه) تعیین نرخ آب جهت مدیریت بهتر مصرف در بین مصرف‌کنندگان:

تعیین نرخ آب در مصارف مختلف به گونه‌ای انجام شود تا نیازهای پایه آب شرب و بهداشت مردم (در چهارچوب الگوی مصرف برای شهر و روستا) به صورت ترجیحی تأمین گردد و برای مصارف فراتر از آن و سایر مصارف با توجه به تأمین منابع مالی و تنوع بخشی به این منابع، در مرحله اول هزینه‌های بهره‌برداری و نگهداری پوشش داده و در مراحل بعدی بازیافت هزینه‌های سرمایه‌گذاری را تأمین نماید.

ز) اهمیت به ارزش‌های انسانی و دانش بومی در برنامه‌های توسعه بدور از هر گونه نگاه ابزاری به مردم:

در کلیه مراحل بهره‌بردار مصرف و توزیع آب استفاده از نقش مشارکت مردمی از فاکتورهای اساسی در موفقیت طرح‌های مربوطه می‌باشد. لذا باید بدون هیچ‌گونه اغماضی نقش مردم در فعالیت‌های توسعه‌ای بطور موثری مدنظر قرار گیرد، بنابراین در عمده فعالیت‌های توسعه‌ای و راهبردی در عرصه‌های مربوط به آب به منظور حل مسائل و مشکلات بایستی بر اساس نیازها و تقاضای مردم و با در نظر گرفتن ویژگی‌ها و خصوصیات آنها در مناطق مختلف دست به اقدامات توسعه‌ای زد. در روشهای مشارکتی، مشارکت در اولین دیدگاه به منزله نهادهای برای توسعه است که موجب افزایش کارایی برنامه‌های توسعه‌ای می‌گردد بطوری‌که درگیری مردم در فعالیت‌ها، موجب شتاب دادن به روند توسعه و مطلوبیت بیشتر آن می‌شود. از دیدگاه دیگر مشارکت به عنوان یک حق اساسی است که موجب قدرت دادن و تواناسازی مردم جهت ایجاد اشتغال و رفع مشکلات آنها می‌گردد. بنابراین برای به رسمیت شناختن و رعایت جایگاه مردم در فرایند پژوهش و توسعه، ایجاد یک تحول در ابعاد شخصیتی، تخصصی و سازمانی افراد دست‌اندرکار و سازمان‌های متولی امر (به خصوص در مناطق روستایی که بخش اعظم فعالیت‌های کشاورزی را عهده دار می‌باشند) ضروری می‌باشد. لذا اصلاح روش‌ها و مفاهیم غیرصحيح که نهایتاً

ایجاد تسهیلات و انگیزه‌های لازم برای ایجاد و ساماندهی نظام بهره‌برداری آب کشاورزی و تشکلهای آب بر

شناسایی دقیق فرهنگ و عرف جامعه مورد نظر و استفاده از آن برای ایجاد مشارکت اهمیت دادن به نقش حیاتی مردم در مدیریت منابع آب

افزایش آگاهی و دانش مصرف کنندگان و بهره برداران آب با روش های نوین بهره برداری و افزایش روحیه مشارکت در بین آنها و آگاهی سازی مردم از نقش اهمیت مشارکت در توسعه منابع آبی در عصر کنونی توانمندسازی بهره‌برداران در انجام مدیریت بهره‌برداری و نگهداری از تاسیسات آب و آبیاری در قالب تشکلهای

برنامه ریزی اجرایی مشارکتی و تلفیقی برای هر منطقه متناسب با پتانسیل و ظرفیت های بومی در هر منطقه با همکاری بخش های مردمی و دولتی . به عنوان مثال برای احداث یک سد توجه به نقش مردم از الزمات موفق بودن این طرح محسوب می شود.

اصلاح نگرش مسئولین ذیربط نسبت به اصل مشارکت در برنامه ریزی های بلند مدت و کوتاه مدت

منابع

۱. زیباکلام، صادق (۱۳۸۷) ما چگونه ما شدیم ،ریشه یابی علل عقب ماندگی ایران، "انتشارات روزنه"
۲. صادقی، سیدشمس الدین (۱۳۸۵)، هیدرولیک و بحران آب"، اطلاعات سیاسی و اقتصادی
۳. مسعود علایی و رضا خدارحمی (۱۳۸۷)، توسعه پایدار کشاورزی با رویکرد مشارکت بهره‌برداران در سازگاری با کم آبی. وزارت جهاد کشاورزی
۴. ببران، صدیقه و هنربخش، نازلی (۱۳۸۶) بحران وضعیت آب در ایران و جهان"، پژوهشنامه مطالعات توسعه پایدار و محیط زیست، شماره اول، تهران.
۵. توسعه پایدار واهداف توسعه هزاره ۱۳۸۴. کمیته ملی توسعه پایدار سازمان حفاظت محیط زیست ایران ص ۶۳
۶. نظرزاده، مهدی، ابریشم چی، احمد، تجربی، مسعود، ارزیابی نگرش و نیات رفتاری ، شهروندان کاشان نسبت به آب شهری، مجله علمی - پژوهشی آب و فاضلاب، شماره ۴۶
۷. طرهانی، عباس، ۱۳۸۰، ریمله سبز الگوی موفقیت مدیریت، مشارکت و اجرا در حوزه های آبخیز کوچک (مطالعه موردی : استان لرستان)
۸. ثابت رفتار، عالی، ۱۳۸۱، گزارش نقش زنان در ارتقاء مدیریت کمی و کیفی آب، وزارت نیرو
۹. دکتر عبدالرضا مسلمی، نقش تشکلهای آب بران در مدیریت مشارکتی آبیاری، سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران
۱۰. میرکیائی ، ه (۱۳۸۵) گزارش پایش و ارزشیابی پروژه ملی حبله رود
۱۱. یزدان داد، مظلوم (۱۳۸۸) بررسی عوامل مؤثر بر الگوی مصرف آب و بهینه، سازی آن در بخش خانگی، سومین همایش ملی آب و فاضلاب، تهران

12. 12 - United Nations, 1997, Sustainable development of Water Resources in Asia and the Pacific: An overview.

13. 13 - Odeh al joyyousi : 2004 :Role of Education and public awarness in Water Demand Management